

مباحث مهدویت ۱

تکلیف شما چیست؟

امام زمان می‌آید انجام می‌دهد یعنی چه؟!



بازخوانی یکی از سخنرانی‌های کمتر دیده شده‌ی رهبری پیرامون مهدویت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



جزوه ای که پیش رو دارید، سخنرانی رهبر معظم انقلاب (مدتله) در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که توسط "مرکز جزوه" عنوان گذاری و سوتیتر گذاری شده است. امید که مورد قبول حضرت قرار گیرد این جزوه به توفیق الهی اولین جزوه از سلسله مباحث مهدویت خواهد بود.

توصیه می کنیم که این جزوه را تا پایان مطالعه فرموده تا یکی از اساسی ترین عقاید مسلمانان را بهتر درک کنیم اهمیت این سخنرانی از آن جهت است که از سوی یک حاکم اسلامی که بر بسیاری از شئون آگاه و مسلط است صادر شده و قطعاً چیزی را که ایشان متذکر می شوند جامع و بسیار راهگشاست.

در پایان شما می توانید جزوات فرهنگی را از
تارنمای JOZVEH88.BLOG.IR تهیه نمایید
منتظر نظرات و انتقادات شما هستیم.

مرکز تولید و توزیع جزوات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

فهرست

- ۳ اهمیت نیمه شعبان
- ۳ همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است
- ۴ دشمن روی عقاید کارگشا سرمایه گذاری می کند
- ۵ برنامه ریزی دشمن برای انحراف عقیده مهدویت
- ۵ یک نمونه: برنامه ریزی استعمار برای از بین بردن عقیده مهدویت در افریقا
- ۶ عقیده مهدویت؛ به منزله روح در جسم
- ۶ آفت بسیار مهلک
- ۷ تخریب عقاید بجای حذف عقاید
- ۷ جامعه ای می تواند پذیرای موعود باشد که در آن آمادگی باشد و الا...
- ۸ این آمادگی چگونه است؟
- ۹ گوهرهای کمیاب در جهان
- ۹ زمینه اینگونه آماده می شود

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم

۱۳۷۶/۹/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

عید بسیار بزرگ و مسعود میلاد حضرت خاتم الاوصیا، حضرت ولی عصر و صاحب الزمان ارواحنا له الفدا و عجل الله تعالی له الفرج را به شما برادران و خواهران عزیزی که در این جا تشریف دارید، بخصوص برادران و خواهرانی که از راههای دور تشریف آورده اند و بالاخص به خانواده های معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران و همچنین به همه ملت ایران و به همه شیعیان عالم و به همه کسانی که در هر نقطه عالم، از ستم و ظلمات حکومت‌های طاغوتی رنج می برند و امیدی می طلبند، تبریک عرض می کنم.

اهمیت نیمه شعبان

یکی از مهمترین روزهای سال، روز نیمه شعبان است که هم مصادف با ولادت ذی جود و مسعود حضرت بقیه الله ارواحنا فدا شده است و هم شب و روز نیمه شعبان - با قطع نظر از ولادت این بزرگوار در این شب و روز - از لیالی و ایام متبرکند. شب نیمه شعبان، شب بسیار متبرکی است. تالی تلوی لیالی قدر و وقت توجه و تذکر و توسل به ذیل عنایات باری تعالی و طلب و درخواست است. اعمال و ادعیه ای هم دارد که اگر موفق شده اید و آنها را انجام داده اید، ان شاء الله مشمول قبول پروردگار باشید. اگر کسانی هم غفلت کردند و توجه نداشتند، به یاد نگهدارند که همه سال، شب نیمه شعبان را مغتنم بشمارند.

مسأله ولادت حضرت مهدی علیه الصلاه والسلام و عجل

الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسأله انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدس اسلام ترسیم شده است - دوران موعود آخر الزمان؛ دوران مهدویت - ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث های مفیدی انجام گیرد.

همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن

قرار گرفته است.

همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند - هر عقیده، هر توصیه ای از شرع مقدس که در

زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است - و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! خوب، ممکن است شما بگویید که ”مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن می تواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده مردم خارج شود؟“ نه؛ این خطاست. دشمن می تواند؛ منتها نه در کوتاه مدت، بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی دهها سال زحمت می کشند، برای این که بتوانند یک نقطه درخشان را کور، یا کمرنگ کنند، یا نقطه تاریکی را به وجود آورند! سالهای متمادی می نشینند و پول خرج می کنند! یکی زحمت می کشد و تلاش می کند، ولی توفیق نمی یابد؛ بعد از او کسان دیگری می آیند. روی

عقاید دنیای اسلام، از این گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده توحید، عقیده امامت و اخلاقیات اسلامی - معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت - کار کرده اند!

همه اینها نقاط برجسته ای هستند که اگر ما مسلمانان درست به حقیقتشان توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهنده جامعه اسلامی می شود؛ ولی وقتی روی آن کار کردند و آن را خراب و معنای آن را عوض کردند و در ذهنها به صورت دیگری جا انداختند، همین موتور محرک، به یک داروی مخدر و خواب آور تبدیل می گردد. این گونه است!

دشمن روی عقاید کارگشا، سرمایه گذاری می کند

در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود - یعنی این که در آخرالزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور می کند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر می سازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده ها و فاصله های طبقاتی را از بین می برد - نیز خیلی کار کرده اند.

این عقیده که همه مسلمانان هم به آن معتقدند، مخصوص شیعه نیست. البته در خصوصیات و جزئیاتش، بعضی فرقه، حرفهای دیگری دارند؛ اما اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و ”یملأ الله به الارض

ممکن است شما بگویید که ”مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن می تواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده مردم خارج شود؟“ نه؛ این خطاست. دشمن می تواند؛ منتها نه در کوتاه مدت، بلکه در طول سالهای متمادی.

قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً“ ، بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند. خوب؛ این عقیده از آن عقاید بسیار کارگشاست که من مختصری راجع به آن عرض خواهم کرد. به دلیل همین که کارگشاست، دشمنان از یک طرف و البته دوستان نادان هم از طرف دیگر بر آن می تازند. گاهی دوستان نادان، از روی نادانی و بر اثر بی توجهی، کاری می کنند که هیچ دشمن دانایی به آن خوبی نمی تواند ضربه بزند!

برنامه ریزی دشمن برای انحراف عقیده مهدویت

یک نمونه: برنامه ریزی استعمار برای از بین بردن عقیده مهدویت در افریقا

حال بحث ما در مورد دشمنان داناست که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به دهها سال قبل؛ یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ اما محبّ اهل بیتند. در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده به مهدویت خیلی پُررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد - که ورود استعمار به آن مناطق در قرن گذشته است - یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود!

در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می کنند که ما باید

کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زایل شود! آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق افریقایی بودند - فرقی نمی کند که استعمار از کجا باشد - استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی توانیم کشورهايشان را درست در اختیار بگیریم!

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است! چقدر خطا می کنند کسانی که به اسم روشنفکری و به عنوان تجدّدطلبی می آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون این که بدانند چه کار می کنند، مورد تردید و تشکیک قرار می دهند! اینها همان کاری را که دشمن می خواهد، راحت انجام می دهند! عقاید اسلامی این گونه است. خوب؛ حالا چرا این کار را انجام می دهند؟

اصل این که چنین دورانی پیش خواهد آمد و یک نفر از خاندان پیامبر چنین حرکت عظیم الهی را انجام خواهد داد و ”یمالأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً“ بین مسلمانان متواتر است. همه، این را قبول دارند.

عقیده مهدویت؛ به منزله روح در جسم

چند خصوصیت در عقیده مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی، به منزله خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمی‌توانیم!

آفت بسیار مهلك

این، روح ناامیدی است. استعمار این را می‌خواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملت‌های مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! می‌خواهند این را به زور در مردم تزریق کنند. ما که در جریان خبرهای تبلیغاتی و زهرآگین دشمنان قرار داریم، به عیان می‌بینیم که اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مایوس کردن مردم است. مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مایوس کنند، متدینین را از گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره و تار جلوه دهند! برای

گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملت‌های ضعیف را به جایی می‌رسانند که امیدشان را از دست می‌دهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمی‌کنند؛ می‌گویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است.

چه؟ برای این که جوشش و امید را از این مجموعه انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملت زنده که نمی‌تواند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بی‌هوش مدهوش بی‌حسی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، می‌تواند تزریق کند؛ با آن هر کاری می‌تواند بکنند؛ اما با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرک فعال که نمی‌تواند هر کاری را انجام دهند! یک ملت نیز همین طور است. با ملت مسلمان و انقلابی ایران - این مردمی که در سایه جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند - نمی‌توانند هر کاری را انجام دهند. ملتی است بیدار، زنده، متوجه که قدر خودش را می‌داند، قدرت و عزت

استفاده می کند.

آن وقت اعتقاد به مهدویت و به وجود مقدّس مهدی موعود ارواحنفاذاه، امید را در دلها زنده می کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی شود. چرا؟ چون می داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو برگرد ندارد. سعی می کند که خودش را به آن برساند.

تخریب عقاید بجای حذف عقاید

پس، عقیده این است. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می آید و همه کارها را درست می کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرّکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدّر و خواب آور است. **امام زمان می آید انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟** شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی شود شروع کرد!

جامعه ای می تواند پذیرای موعود باشد

که در آن آمادگی باشد و الا...

جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنفاذاه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الاً مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود.

امروز هر نفسی و هر حنجره ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلّق به دشمن است.

خودش را می داند، با دنیا آن طور که شایسته خود اوست، رفتار میکند؛ نتیجه را هم می بینید. اگر ملتی برای خودش تحرّکی نداشت و ارزش و آینده ای برای خود قائل نبود، دشمنان می توانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را می توانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرّک است. عدم تحرّک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی می کنند مردم را ناامید کنند! شما بدانید امروز هر نفسی و هر حنجره ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه ای را در جهت ناامید و مأیوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلّق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او

دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرایی کردند کسانی بودند که زمینه های دینیشان زمینه های مستحکم و ماده غلیظِ متناسبِ دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه الصلاه والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.

این آمادگی چگونه است؟

این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده می کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگیهای معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آن جایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی خبر هم نیستیم.

امروز در کجای دنیا جوانانی پیدا می شوند که روی شهوات نفس و روی مادیگری پا بگذارند و سراغ معنویات بروند؟ البته گاهی یک جوان، دو جوان، یا یک آدم استثنایی گوشه ای هست - همه جای دنیا پیدا می شود - اما این که عدد عظیمی از یک نسل، این طور باشند، کجای دنیا هست؟ هیچ جا؛ این جا هست! بعضی خیال می کردند که مخصوص دوران جنگ است. البته در دوران جنگ، زمینه های مناسبتری بود، برجستگی آن هم بیشتر بود؛ لیکن این طور نیست که بعضی خیال می کردند. امروز هم

چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاه والسلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگیهایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم درباره او - نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! "قتل فی محراب عبادته لشده عدله" **تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود** که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه

خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می آید و همه کارها را درست می کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب آور است.

”بله؛ مرتّب از مردم خودتان، از کشور خودتان و از خودتان تعریف کنید!“ بفرمایید؛ امروز همه این را می بینند. این کنفرانس را دیدید! قبل از کنفرانس هم قضایای دیگری بود که ملت ایران آنها را مشاهده کرد. بحمدالله این کشور، کشوری عزیز و مقتدر است؛ کشوری است که دشمنانش هم اعتراف می کنند که برجسته و دارای ملتی بزرگ است و مسؤولینش با اخلاص، مؤمن، علاقه مند و تابع اسلامند. همه اینها از برکات است.

زمینه اینگونه آماده می شود

پس می شود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه هایی ان شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه نیز پدید می

هستند. امروز جوانان خوب، جوانان مؤمن، حزب الهی، با گذشت از شهوات نفسانی و انسانهایی که دارای گذشت از پول و کسب ثروت و درآمد باشند، زیاد هستند؛ در حالی که البته عده ای هم به دنبال این امکانات می دوند و فضا را خراب می کنند! عده ای با بلندنظری، باتقوا و با بی اعتنایی به این زخارف، حرکت می کنند. اینها مخصوص این کشور است. پس می شود قدم به قدم به سمت صلاح پیش رفت. زنان نیز همین طور. شاید بشود گفت که مجموعه زنان کشور ما از همه جای دنیا بهترند. وقت کار که می رسد - کار سیاسی، کار فرهنگی و کار تشکیلاتی - جلو هستند؛ وقت جهاد که می رسد، فرزندان خودشان را به دست خودشان به جبهه می فرستند و وقت خانه داری و تربیت اولاد که می رسد، کدبانوهای خانه دارند!

گوهرهای کمیاب در جهان

همه اینها در دنیا کمیاب است. اینها خیلی ارزش است؛ اینها تربیت اسلام است؛ اینها همه امیدبخش است. همینها موجب شده است که بحمدالله امروز نتایج مثبت را هم می بینید. البته ما همیشه این را گفته ایم، بارها تکرار کرده ایم؛ حال خود ملت ایران، تدریجاً عزت سیاسی شان را در دنیا می بینند. ما همیشه می گفتیم که بحمدالله ملت ایران - و به تبع ملت ایران، دولت ایران و مسؤولین کشور - در سطح دنیا عزیزند. بعضاً در گوشه و کنار، پوزخندی می زدند که

پس می شود زمینه ها را فراهم کرد. وقتی چنین زمینه هایی ان شاءالله گسترش پیدا کند، زمینه ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا فداه نیز پدید می آید و مسأله مهدویت، این آرزوی دیرین بشر و مسلمین تحقق می یابد.

آید و مسأله مهدویت - این آرزوی دیرین بشر و مسلمین - تحقق می یابد.

متوسل و متذکر آن بزرگوار
باشیم و انس و رابطه قلبی و
روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم.
اگر شما از این طرف انس
داشتید، از آن طرف هم جلب
توجه، جلب تذکر و جلب لطف و
محبت خواهد شد.

امیدواریم که ملت ایران، مشمول توجهات آن بزرگوار باشند. ان شاءالله همه شما و همه ما، هم این توفیق را پیدا کنیم که روزی در رکاب آن بزرگوار باشیم، برای خدا تلاش و مجاهدت کنیم، در مقابل چشم آن بزرگوار، در راه خدا جانمان را از دست بدهیم و به فیض شهادت برسیم - که بزرگترین شرف و افتخار است - و هم تا قبل از ظهورشان، در زمان غیبت، خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد. امیدواریم ان شاءالله همه مشکلات، همه موانع و همه سختیها و رنجها، به برکت این ارتباط طرفینی، با فضل الهی و با دست قدرت پروردگار از بین برود. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته



چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاة والسلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی ها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم درباره او - **نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟**

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! ” قتل فی محراب عبادته لشده عدله “ **تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود** که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف آرایی کردند کسانی بودند که زمینه های دینیشان زمینه های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد!

آن وقت اگر امام زمان علیه الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.



مقام معظم رهبری

۷۶/۹/۲۵

jozveh88.blog.ir

مرکز جزوه : تولید و توزیع جزوات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی